

در غباری آبی رنگ

دخانیات و اصول اخلاقی بهائی

اثر: اودو شفر

۱۹۹۷

ویراستار: کریس منول

مترجم: ف - الف

۲۰۰۳

آنچه که در این مجموعه می‌خوانید

- | | |
|----|--------------------------------------------|
| ۱ | پیشگفتار بر ترجمه فارسی |
| ۲ | پیشگفتار بر ترجمه انگلیسی |
| ۳ | ۱- شرب دخان، مسأله‌ای اجتماعی |
| ۹ | ۲- دشواری پرداختن به مسائل اخلاقی |
| ۱۴ | ۳- شرب دخان نهی صریح نیست |
| ۱۸ | ۴- اصل عقیدتی وظیفه در امر بهائی |
| ۲۱ | ۵- وظیفه ما نسبت به دیگران |
| ۲۶ | ۶- وظیفه ما نسبت به خویشان |
| ۴۰ | ۷- جمله معترضه: تنزیه و تقدیس در تاریخ دین |
| ۵۱ | ۸- داوری حضرت عبدالبهاء |
| ۵۵ | ۹- کتابشناسی نویسنده |
| ۶۱ | ۱۰- کتابشناسی مترجم |

پیشگفتار بر ترجمه فارسی

نویسنده این گفتار از محققین برجسته آلمانی و دارای دکترای حقوق است. مطالعات او در زمینه دین و مذهب به طور خودانگیخته بوده و تا به حال به تحریر چندین اثر ثمین درباره مواضع مختلف امر بهائی منتج شده است. از آنجا که سایر نوشته‌های مشاّر الیه خوانندگان ایرانی آثارش را جلب نموده و در واقع نحوه تحقیق و استنتاج را نشان داده، مترجم مصمم شد به ترجمه این اثر نیز اقدام نماید. اثر حاضر در واقع به یکی از معضلات اجتماعی، یعنی شرب دخان، پرداخته و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. به نظر رسید، اگرچه در امر مبارک نهی صریحی برای شرب دخان وجود ندارد و تنها کراهت تنزیهی آن مطرح شده است، اما توجه به سایر جنبه‌های آن می‌تواند مفید باشد.

این اثر در اصل به زبان آلمانی نوشته شده و تحت عنوان *Estische Aspekte des Rauchens. Ein Beitrag zur Bahá'í Ethik* توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان انتشار یافته است. مایکل ماکادو Michael H. Machado و دکتر کرگ فولکر Dr. Craig Volker آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۹۹۷ منتشر کرده‌اند. متن فارسی این اثر نیز از ترجمه انگلیسی برگردانده شده است.

اصل متن انگلیسی آن را می‌توان در اینترنت تحت عنوان *In A Blue Haze: Smoking and Bahá'í Ethics* یافت.

ترجمه این اثر در شامگاه شنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۸۲ در طهران آغاز شد و به عون و عنایت الهی در تاریخ ۱۳/۹/۱۳۸۲ به انتهی رسید.

پیشگفتار ترجمه انگلیسی

از استقبال مساعدی که از متن آلمانی این اثر به عمل آمد، به نظر می‌رسد که خوانندگان پی به مقصود اولیه از این مطالعه برده‌اند. یعنی، این مقاله در واقع رساله‌ای درباره شرب دخان به معنای واقعی نیست. بلکه، موضوع شرب دخان که از لحاظ احساسی بحث برانگیز است صرفاً به عنوان نقطه توجّه این تلاش اولیه جهت تعریف جنبه‌های مختلف اصول اخلاقی بهائی برگزیده شده است.

مجموعه آثار حضرت بهاء‌الله آنقدر که متنوع و رنگارنگ است، مدوّن و سیستماتیک نیست. از این لحاظ، آثار مبارکه شبیه قرآن است. اهداف اخلاقی، ارزشها، اوامر و مناهی و نیز تقاضاها و توصیه‌های فراوان برای حیاتی پرهیزگارانه و شرافتمندانه، و هشدارهایش علیه زندگی توأم با شهوت، لذّات نفسانی، فساد و شرارتها در سراسر کل آثار حضرت بهاء‌الله پراکنده است. این هدايات اخلاقی برای نجات فرد و نیز جامعه به طور کلی مفید فایده است. هدف آن عبارت از ایجاد منظّم و باقاعده کلّ طریقه حیات است نه صرفاً ارتقاء یکی از آحاد مؤمنین. در انتهای، تحوّل هنجارهای رفتاری به عملی ملموس و معیّن مستلزم عرضه تحلیلی، مدوّن و منظّم این سلسله مراتب جدید ارزشها است. این بدان علّت است که تنها یک دیدگاه مدوّن و منظّم می‌تواند خصایص تعیین کننده این سلسله مراتب را بیان کند و نشان دهد که چگونه هر ارزش خاصی به تنش درون سلسله مراتب مزبور مربوط و محدود می‌شود. همچنین، تنها دیدگاه مدوّن و منظّم سلسله مراتب ارزشها می‌تواند اهمیت نسبی هر ارزش درون سلسله مراتب مزبور را مشهود سازد.

سوالات مربوط به اساس و زیربنای این نظام اخلاقی، توضیح آرمانهای بنیادی آن، بحث در خصوص قابلیت شناخت هنجارهای اخلاقی و نقش عقل و منطق، و نیز جستجو برای یافتن اصول زیربنایی برای ارزشهای ملموس اخلاقی، جمیع اینها موضوع علم هنجاری اصول اخلاقی است. تا کنون، اصول اخلاقی بهائی تنها به ندرت موضوع تحقیق و عرضه آکادمیک بوده است. در حین نوشتن اولین نشر آلمانی این رساله، که در ابتدا برای یک دائرةالمعارف نوشتم، ابدأ نمی‌دانستم که نوعی تمرین آمادگی برای ارائه اساس و زیربنای اصول اخلاقی بهائی خواهد شد و اکنون در حال آماده شدن برای انتشار به صورت رساله توسط مؤسسه انتشاراتی جورج رونالد است. من نفوسی را که علاقه‌ای عمیق‌تر به موضوع دارند به کتاب مزبور ارجاع می‌دهم.

بسیار مدیون مایکل ماکادو و دکتر کرگ فولکر هستم؛ بدون ترجمه آنها این نشر انگلیسی به عموم عرضه نمی‌شد. مشتاقم که صمیمانه‌ترین تشکرات خودم را به هیلدگارد بکر^(۱)، به خاطر مطالعه ترجمه خام مایکل ماکادو، به خانم لیندا آدامسون^(۲) به خاطر پیراستن و ظرافت متن، به ناظم بنیان گلمحمدی به خاطر پیشنهادها و نظراتش، و به همسر سیزگون^(۳) به خاطر کار وقت‌گیر جستجوی نقل قولهای موثّق انگلیسی برای این ترجمه و آماده سازی نسخه آماده عکس برداری روی کامپیوتر تقدیم دارم.

اودو شفر

پاییز ۱۹۹۶

بخش اول - شرب دخان، مسأله‌های اجتماعی

مصرف دخانیات هیچیک از نیازهای اساسی انسان مانند خوردن و آشامیدن را ارضاء نمی‌کند؛ بلکه میلی غیرواقعی برای افزایش احساس آسایش و لذت فرد است. بنابراین، فقط انسانها به مصرف دخانیات مبادرت می‌کنند؛ حیوانات دخانیات مصرف نمی‌کنند. البته، هیچ اعتراضی بر این واقعیت نیست که این نیازی "مصنوعی" است نه "طبیعی". نه دست‌پختی عالی "طبیعی" است، نه گوش دادن به موسیقی و نه هیچیک از هنرها. جمیع آنها نیازهای از نوع برتر هستند که بخشی از فرهنگ شده‌اند و این فرهنگ است که گونتر ویل^(۴)، رئیس فدراسیون آلمانی تولیدکنندگان سیگار^(۵) بدان توصل می‌جوید. او مشاهده می‌کند که فرهنگ، شرب دخان را مشروعیت می‌بخشد: "مصرف دخانیات بخشی از فرهنگ است."^(۶) اما به این آسانی و سادگی نیست. بسیاری از ظلمها و ستمها و وحشی‌گری‌هایی که خود را در ورای هاله فرهنگ پنهان ساخته‌اند، با هر معیار اخلاقی ملموسی که سنجیده شوند، نفرت‌انگیز و مشتمزکننده‌اند؛ به عنوان مثال فقط به ذکر کشتن دختران نوزاد در عربستان و چین باستان، زنده به گور کردن بیوه‌ها در هندوستان، یا ختان دختران و بخیه سنجاقی زدن آنها که هنوز در قسمتهای عظیمی از آفریقا معمول است، اکتفا می‌کنیم.

در عمده دوران تکامل ما، آدمیان بدون مصرف دخانیات زنده ماندند و بقا یافتند. اما، به نظر می‌رسد که در دوران امپراطوری روم مردم به شرب دخان مبادرت می‌کردند. البته، توتون و تنباکو نبود، زیرا در آن زمان اروپاییان آن را نمی‌شناختند، بلکه از فرقیون^(۷)، حشیشة السعال^(۸) و اسطوخودوس^(۹) استفاده می‌کردند. آنها بیشتر از آن که برای لذت باشد، برای موارد درمانی دود می‌کردند. اولین اروپاییانی که دود کردن تنباکو را به اروپا وارد کردند، ملوانانی بودند که کریستف کلمب را در سفرهایش به "دنیا نو" همراهی نمودند. در آنجا در میان تقریباً جمیع مردم بومی آمریکای شمالی، به استثنای نواحی قطبی، دود کردن تنباکو بسیار شایع بود. این کار عمده در مراسم انجام می‌شد. تنباکو در میان اروپاییان ابتدا در اسپانیا مصرف شد، و بیشتر به عنوان دارو مشاهده میشد تا ماده محرک. در سده شانزدهم تنباکو به عنوان گیاهی زینتی در باغهای فرانسه کشت شد و آن را نوشدارویی در مقابل طاعون، دندان درد، نقرس، قولنج، و کزاز می‌دانستند. در انگلستان، سیر والترالی^(۱۰) در سال ۱۵۸۶ دود کردن دخان را معمول ساخت و طولی نکشید که در جمیع

۴- Günter Wille

۵- German Federation of Cigarette Manufacturers (Verband der Cigarettenindustrie)

۶- نقل از *Konträr. Das MeinungsMagazin* سپتامبر ۱۹۸۸

۷- *cyprus grass* توضیح مترجم: تنها لغتی که نزدیک به آن یافت شد، در فرهنگ *American Heritage* بود که تحت عنوان *cypress spurge* ذکر شده که نوعی گیاه بومی اروپا و آسیا است که به طور متراکم می‌روید، مخصوص مناطق گرمسیر، دارای برگهای باریک و گلهای زرد - سبز است.

۸- *coltsfoot* گیاهی علفی و بیابانی از تیره مرکبیاں گل لوله‌ای که خیسانیده گلهايش برای سینه و سرفه مفید است. به آن پاخر و خرپا نیز می‌گویند. (فرهنگ)

۹- lavender

لاروس) - م

۱۰- Sir Walter Raleigh (تولد ۱۵۵۴ در دؤن Devon - وفات ۲۹ اکتبر ۱۶۱۸ در لندن) - ماجراجوی انگلیسی و فرد محبوب ملکه الیزابت اول، فرمانده گارد او و یکی از استعمارگران اولیه در آمریکا. او به اتهام خیانت به جیمز اول جانشین ملکه الیزابت، از ۱۶۰۳ تا ۱۶۱۶ در برج لندن زندانی شد و عاقبت به قتل رسید - م

طبقات جامعه شیوع یافت. "شرب دخان"^(۱۱)، که بعداً مصطلح شد، از طریق هلند و فرانسه به آن سوی راین هجرت کرد. در طی جنگهای سی ساله^(۱۲) در تمام اروپا، بخصوص توسط سربازان سوئدی، متداول شد. اما، ممنوعیتهای متعددی علیه آن وضع شد؛ فی المثل تزار در سال ۱۶۳۴ یا سلطان مراد چهارم در سال ۱۶۱۰. مجازات تخطی از حکم تزار بریدن بینی بود. حکم سلطان مراد از این هم فراتر رفت به طوری که استعمال دخانیات جرمی مستوجب مرگ بود. فردریک کبیر^(۱۳) در سال ۱۷۶۴ مصرف دخان در خیابانها را ممنوع کرد، زیرا خطر حریق تلقی می‌شد. با کاربرد طبیی تنباکوی آسیاب شده، اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها و پرتغالی‌ها ماده محرک جدیدی به نام انفییه ساختند. دود کردن، در مقایسه با انفییه، به کندی طرفدار پیدا کرد. غالباً از شیئی لوله‌مانند برای دود کردن استفاده می‌شد. بعد از جنگهای کریمه^(۱۴)، وقتی که انگلیس و فرانسه با سیگار شرقی آشنا شدند، کشیدن سیگار مزبور طرفدار زیادی پیدا کرد. اولین کارخانه تولید سیگار در آلمان در سال ۱۸۶۲ در درسدن^(۱۵) با هفت کارمند تأسیس شد. بعد از جنگ جهانی اول، محصولات تنباکو از جمله اقلام پرمصرف گردید. مصرف دخانیات به عنوان یک عادت شایع در تمام طبقات جامعه پذیرفته شد. توتون یک ماده مخدر پرفرمدار و صنعت توتون بخش نیرومندی از اقتصاد گردید. هر ساله ۱۴/۶ میلیارد مارک توسط آلمانی‌ها در این راه خرج می‌شود. به طور متوسط، هر بزرگسالی در جهان سالانه یک هزار سیگار دود می‌کند.

همواره استنباط چنین بوده است که دود کردن تنباکو آنقدر که برای فرد مصرف کننده ایجاد لذت می‌کند در نفوسی که به طور انفعالی از آن متأثر می‌شوند یا کسانی که از آن "رنج می‌برند" لذتی پدید نمی‌آورد. در سده هفدهم برای دود کردن تنباکو، به علت ماهیت آزار دهنده آن، برگ جریمه صادر می‌شد. جیمز اول پادشاه انگلستان جزوهای جدلی^(۱۶) علیه "سیگار بدبو"^(۱۷) نوشت که حتی امروزه سرگرم کننده است و ارزش خواندن را دارد. این جزوه حرکتی عظیم در سراسر کشور پدید آورد اما نتوانست عادت دود کردن را که قبلاً زمینه‌ای بسیار زیاد یافته بود، متوقف سازد. یکی از روحانیون نویسنده به نام تسارو^(۱۸) در اثری به نام *Philosophia Moralis* که در سده هفدهم انتشار یافت چنین نوشت: "چه منظره شرم‌آوری است وقتی که مردم یک شاخ پیچ‌دار پر از آشغالی که گاز بیرون می‌دهد و همه جا را دودآلوده و کثیف می‌کند، درون دهان خود قرار می‌دهند تا آن بخار جهنمی را از درون حلق فرو کشند و با فشار از بینی خارج کنند، درست مانند اسبهای

۱۱- در عربی فعل شرب برای نوشیدن و دود کردن هر دو به کار می‌رود.

۱۲- Thirty Years' Wars توضیح مترجم: عنوان مرسوم و فوق‌العاده گمراه کننده برای بخشی (۴۸-۱۶۱۸) از منازعه و کشمکش پنجاه ساله جهت توازن قدرت در اروپا (حدود ۱۶۱۰ تا ۱۶۶۰) که هابسبورگهای اتریش و شاهزادگان آلمانی درگیر آن بودند.

۱۳- Frederick the Great

۱۴- Crimean War توضیح مترجم: جنگهایی که بین روسیه (از یک سو) و ترکان عثمانی، فرانسه و انگلستان و پیمون در گرفت و از سال ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۶ طول کشید. شبه جزیره کریمه در جنوب روسیه واقع در ساحل دریای سیاه است. (فرهنگ معین)

۱۵- Dresden شهری در شرق آلمان در ساکسونی - م

۱۶- The Smoking Opponent or a Royal Treasure Piece on the Misuse of Tobacco

Tesaro - ۱۸

stinking weed - ۱۷

دیومیدس^(۱۹) و گاوهای جیسون^(۲۰) که خرناس می‌کشیدند و جرّقه و دود از حفره‌های بینی آنها خارج می‌شد.^(۲۱)

گوته^(۲۲) از این عادت به شدت تنفر داشت: "دود کردن انسان را احمق می‌کند؛ فرد را از تفکر و قافیه‌سازی ناتوان می‌کند. همچنین، این عادت مخصوص آدمهای تن‌پرور، آدمهای کسل، آدمهایی است که یک سوم زندگی آنها به خواب می‌گذرد، یک سوم دیگر را با خوردن و آشامیدن یا سایر کارهای ضروری یا غیرضروری به هدر می‌دهند و با آن که می‌گویند زندگی کوتاه است^(۲۳)، حتی نمی‌دانند با یک سوم باقیمانده چه کنند. برای چنین ترکهای تنبلی، معاشرت عاشقانه با چپ‌ها و منظره گرم و خودمانی ابرهای دود که به هوا می‌فرستند سرگرمی بسیار جالب و جاذبی است زیرا به آنها کمک می‌کند لحظات عمرشان را سپری کنند..."
گوته فکر می‌کرد که "شرب دخان با نوشیدن آبجو همراه است که حس چشایی را آرام می‌سازد" و او از آن ترس داشت که اگر این عادت، آنچنان که مشهود است، ادامه یابد، "بعد از دو یا سه نسل مشهود خواهد گشت که آلمان از شکمهای پر از آبجو و ارادلی که دود می‌کنند تشکیل شده است... و بهای این هراس چه خواهد بود! هم‌اکنون بیست و پنج میلیون تالر^(۲۴) دود می‌شود و به هوا می‌رود... و به هیچ آدم گرسنه‌ای غذا داده نمی‌شود و هیچ آدم برهنه‌ای پوشانده نمی‌گردد. با این پول چه کارها که نمیشد کرد! تعلق خاطر به دود کردن کمال بی‌ادبی و مردم‌گریزی گستاخانه است. کسانی که به شرب دخان می‌پردازند بوی تعفنی را در هوا پراکنده می‌سازند که هر انسان صادقی را که مایل نیست جهت حفظ خود به استعمال دخان روی آورد خفه می‌کند. در این صورت آیا کسی می‌تواند وارد اطاق کسی که دود می‌کند بشود بدون آن که حالت تهوع به او دست دهد؟ و چه کسی می‌تواند در چنین اطاقی باقی بماند و هلاک نشود؟"^(۲۵)

دلایل متعددی وجود دارد که چرا استعمال دخان به نحوی فزاینده به یک مشکل تبدیل می‌شود و این که چرا در چند دهه گذشته بدنام و بی‌اعتبار شده است. سنی که عادت استعمال دخان شروع می‌شود رو به کاهش است و اکنون به زیر سنّ دهسالگی رسیده است. در طی دهه هفتاد، نظام سهل‌انگارانه و فرصت‌طلبانه آموزشی که به سوی الگوی ضدّ استبدادی تمایل داشت، با ایجاد اطاقها یا گوشه و کنارهایی برای استعمال دخان در مدارس، به این جریان دامن زد و این عمل از نقطه نظر تعلیم و تربیت، تصمیمی بغایت غلط بود که

۱۹- Diomedes توضیح مترجم: (افسانه‌های یونانی) مقصود فرزند آرس خدای جنگ و صاحب ماده اسپهائی بود که از گوشت انسان تغذیه می‌کردند.

هراکلس Heracles دیومیدس را کشت و اسبها را تصاحب کرد.

۲۰- Jason توضیح مترجم: (افسانه یونانی) پسر ایسون Aeson پادشاه بولکوس Iolcos بود. عموی او که تخت و تاج را تصاحب کرده بود او را به مأموریتی به ظاهر غیر ممکن فرستاد. چون باز آمد، معلوم شد عمویش دست از تاج و تخت نخواهد کشید تا آن که او گاوهای پادشاه را که آتش از بینی آنها

بیرون میزد به یوغ ببندد و صحرای آرس را با آنها شخم بزند. Corti, op. cit., p. 139 نقل از ۲۱-

۲۲- Johann Wolfgang von Goethe (۱۷۴۹-۱۸۳۲) شاعر و نمایشنامه‌نویس آلمانی - م

vita brevis ۲۳-

۲۴- Taler سکه‌های متعدّد نقره که دول مختلف آلمانی از سده پانزدهم تا سده نوزدهم ضرب می‌کردند. این کلمه مخفف Joachimstaler مأخوذ از لغت

Joachimsthal واقع در بوهمیا است که محلّ ضرب این سکه‌ها بوده است. کلمه دلار از همین ریشه است - م

۲۵- Johann Wolfgang v. Goethe, Briefe und Gespräche, Vol. 22 (Gespräche), p. 518-519

امروزه بسیاری از نفوس مایلند آن را دیگر بار ایجاد نمایند. بنا به گزارش مؤسسه پیشگیری از ذات‌الریه^(۲۶) در نورمبرگ^(۲۷)، از هر ده پسر، یک نفر قبل از شش سالگی استعمال دخان را تجربه کرده است. در میان دهساله‌ها، شصت درصد پسران و نیمی از دختران استعمال دخان را آزموده‌اند.^(۲۸) بعلاوه، آزادی زنان با اتخاذ الگوهای رفتاری که در ابتدا "مردانه" است، بخصوص استعمال دخان، همراه بود. شاید شعار "زن آلمانی سیگار نمی‌کشند" در زمان رایش سوم^(۲۹) متاول بوده باشد، اما کسانی که امروزه به مصرف دخانیات می‌پردازند عمدهً دختران جوانند، و این پدیده همراه با تعداد هشدار دهنده‌ای از زنان است که در اثر سرطان ریه می‌میرند.^(۳۰)

بعلاوه، بی‌احتیاطی و بی‌پروایی فزاینده بسیاری از نفوسی که مبادرت به استعمال دخان می‌کنند و حق بشری لاینفک خود می‌دانند که هر زمان و در هر مکان بدون کسب اجازه به کشیدن سیگار بپردازند، به این واقعیت منجر شده است که تعداد نفوس غیرسیگاری که مایلند رفتار آنها را تحمل کنند روز به روز کاهش یابد. اما، وقوف بر این مسأله تنها به این علت حاصل شده که معلوم شده است کشیدن سیگار تا چه حد عظیمی بهداشت عمومی را تهدید می‌کند^(۳۱) و چه فشار عظیمی بر شرکتهای بیمه تندرستی به طور کلی وارد می‌آورد.^(۳۲) استعمال دخان دیگر امری طبیعی تلقی نمی‌شود. روحیه و حوصله تغییر کرده است.^(۳۳) این واقعیت مشخص شده که استعمال دخان بخشی از مسأله زیست محیطی است. در اولین کنفرانس اروپایی توتون در سال ۱۹۸۸ در مادرید، سازمان بهداشت جهانی "منشور علیه توتون" را تصویب کرد. در آن ذکر

۲۶- Institute for Preventive Pneumology (Institut für Präventive Pneumologie)

۲۷- Nuremberg (در آلمانی نورنبرگ (Nürnberg) - شهری در غرب آلمان شمال باواریای مرکزی - م

۲۸- *Süddeutsche Zeitung*, 3 March 1992

۲۹- Third Reich مقصود دوران حکومت هیتلر است که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ دوام داشت - م

۳۰- Prof. Dr. Ferdinand Schmidt, *Weltgesundheitsbroschüre* [World Health Brochure], 1988

۳۱- جنبه‌های پزشکی استعمال دخان در اینجا مطرح نشده زیرا خطرات سیگار برای بهداشت و تندرستی را می‌توان امروزه در زمره دانش عمومی تلقی کرد.

کتاب و نشریاتی که در این رابطه انتشار یافته بسیار وسیع و کثیر است و در اینجا تنها به اختصار می‌توان به آن اشاره کرد. برخی از منابع برای کسب اطلاعات

بیشتر عبارتند از: *Older Male Mortality and Cigarette Smoking* اثر ساموئل پرستون Samuel H. Preston، نشر Westport،

Connecticut، Greenwood Publication Group Inc., 1976 (Repr. of 1970 ed.) کتاب *Smoking and Health* اثر برایان وارد

Brian Ward نشر Chicago: Watts, Franklin, Inc., 1986؛ دیگر کتاب *Legislative Responses to Tobacco Use* اثر کارکنان سازمان

Hingham, Massachusetts: Kluwer Academic Books, 1991

۳۲- در خصوص هزینه‌های حاصل از آن نگاه کنید به Ferdinand Schmidt, "Folgekosten des Rauchens" [The Costs Resulting

from Smoking], in: Deutsche Hauptstelle gegen Suchtgefahren (ed.), *Jahrbuch zur Frage der Suchtgefahren*

1983, Hamburg 1983

۳۳- "غیرسیگاری‌ها بسیج می‌شوند" و "دود بر صورت سیگاری‌ها سیلی می‌زند" دو عنوان برنامه‌های تلویزیون آلمان بودند که وضعیت "جبهه سیگاری‌ها" را

مستند می‌ساخت.

"Die Nichtraucher machen mobil" [The Non-smokers are Mobilising], "Den Rauchern bläst der Rauch ins

Gesicht" [Smoke is Blowing in the Smokers' Face]

شده است: "هوای منزّه از دود توتون بخشی ضروری از حقّ اساسی ما برای برخورداری از تندرستی و هوای غیرآلوده است." (۳۴)

در ایالات متّحده، که سالانه ۲۵۰'۰۰۰ مرگ به استعمال دخان نسبت داده می‌شود، حمایت از غیرسیگاری‌ها پیشرفت قابل توجهی کرده است. کشیدن سیگار در تمام پروازهای داخلی و نیز در وسایل حمل و نقل عمومی، تاکسی‌ها، کتابخانه‌ها، بانکها، رستورانها، و ابنیه عمومی ممنوع شده است. نفوسی که می‌خواهند در وزارت دفاع (پنتاگون)، که یکی از بزرگترین بناهای دنیا است، سیگار بکشند، بهترین جایی را که برای این کار سراغ دارند توالت است. در بسیاری از محافل ایالات متّحده آمریکا، کشیدن سیگار جزو محرّمات تلقی می‌شود و می‌تواند به طرد و انزوای اجتماعی منجر گردد. این عمل به نحو فزاینده‌ای جزو رفتارهای نفوس طبقات پست اجتماع محسوب می‌گردد. این تا حدّی به علّت اقدامات و عملیات ستیزه‌جویانه و تهاجمی علیه کشیدن سیگار است. فی‌المثل، علائمی که روی آنها نوشته شده است: "بوسیدن یک سیگاری مانند لیسیدن زیرسیگاری است!" شرکتهای بیشتر و بیشتری استعمال دخانیات را منع می‌کنند. بسیاری از آنها فقط افراد غیرسیگاری را استخدام می‌کنند. تنها ۲۶ درصد جمعیت ایالات متّحده سیگار می‌کشند. (۳۵) در اکثر کشورهای اروپای شرقی مقرّرات اکیدی برای حمایت از غیرسیگاری‌ها وجود دارد. در سال ۱۹۹۳، فرانسه استعمال دخانیات در جمیع ابنیه عمومی، در وسایل نقلیه عمومی و حتّی در رستورانها را ممنوع ساخت.

در مقام مقایسه، آلمان با ۱۵۰'۰۰۰ مرگ سالانه در ارتباط نیکوتین (۳۶)، آزادمنش به نظر می‌رسد. به علّت کمکای مالی سخاوتمندان صنعت سیگار به احزاب، اکثر اعضاء پارلمان به ندرت به محدودیت‌های قانونی فکر می‌کنند. به تعلیم و تربیت اعتماد و اتکا می‌شود، گویی برای تأمین حتّی کمترین حمایت برای غیرسیگاری‌ها کافی است! در پاییز ۱۹۸۵، صنعت تنباکوی آلمان نوربرت بلوم (۳۷) وزیر پیکش امور اجتماعی را، با خلق این عبارت که، "دود آزاد برای شهروندان آزاد،" به عنوان سخنگوی تبلیغاتی سال برگزید. (۳۸) تعجّبی ندارد که سخنگوی فدراسیون تولیدکنندگان سیگار آلمان، آلمان را به عنوان "یکی از متحمّل‌ترین جوامع" مورد ستایش قرار می‌دهد. با این همه، مقامات دولتی و وزراء در ابراز علاقه به حمایت از غیرسیگاری‌ها، به میزان قابل توجهی استعمال دخانیات در ابنیه عمومی و ادارات را منع کرده‌اند. بعلاوه، تعدادی تصمیمات قانونی امروزه وجود دارد که محلّ کار عاری از دود سیگار را برای غیرسیگاری‌ها تضمین می‌کند. می‌توان انتظار داشت که محدودیت‌هایی که نیاز فوری و اضطراری به آنها وجود دارد در سطح جامعه اروپایی با سرعتی بیشتر از خود آلمان اعمال گردد.

صنعت توتون و تنباکو (۳۹) که فقط در آلمان بودجه تبلیغاتی سالانه‌اش بالغ بر سیصد میلیون مارک می‌باشد، با این جریان مخالف است. آنها به طور مؤکد با اعلام خطرات دخان برای بهداشت و تندرستی مبارزه می‌کنند و طالب تحمّل و مدارای غیرسیگاری‌ها هستند؛ در حالی که این خطرات در اثر بیش از سی هزار مورد مطالعه و

۳۴- اعلامیه مطبوعاتی وزارت جوانان، خانواده، زنان و بهداشت فدرال آلمان مورخ ۶ نوامبر ۱۹۸۸

۳۶- بنا به گزارش *Süddeutsche Zeitung* مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۴

۳۵- *Medical Tribune* مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷

۳۸- *Die Zeit* ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶

۳۷- Norbert Blüm

۳۹- توضیح مترجم: توتون کلمه‌ای ترکی است و تنباکو کلمه‌ای مأخوذ از تاباکو *Tobacco* است که در زبان بومیان آمریکایی وجود دارد. در فرهنگ معین هر دو کلمه آورده شده و هر دو گیاه را از تیره بادمجانبیان ذکر کرده است.

تحقیق، از لحاظ علمی مورد تأیید واقع شده است. رییس فدراسیون تولیدکنندگان سیگار آلمان موسوم به گونتر ویل، استعمال دخان را "لذت" و فعالیت ضد دخانیات را "تلاشی تفقدآمیز و ضعیف‌نواز توسط پارسایان عقل کلّ که حقّ انتخاب نوع نادرست لذت را از شهروندان بالغ دریغ می‌دارند" توصیف می‌کند. ویل در سال ۱۹۹۳ در سنّ ۵۱ سالگی در اثر سرطان درگذشت.

کمال وقاحت است که سیگاری‌ها به مدارا و تحمّل غیرسیگاری‌ها متوسّل می‌شوند و استدلال می‌کنند که سیگاری‌ها در زمره متحمّل‌ترین نفوس عالم هستند زیرا هیچ سیگاری هرگز در مورد کسی که سیگار نمی‌کشد شکایت نکرده است. سارقین نیز ممکن است منطق مبهم و غامض استفاده کرده از عدم تحمّل و مدارای قربانیان خود بنالند و بزارند. به طریقی، می‌توان گفت که این مانند مقایسه کردن سیب با پرتقال است: یعنی مقایسه رفتاری آشکارا زیانمند، آزاردهنده و خطرآفرین با عدم تحرّک و اقدامی که بی‌نتیجه است. به هر حال، موضوع کشیدن سیگار مسأله اجتماعی فوق‌العاده بحث برانگیزی است. وقتی که همه ما طبق درگیری خود با موضوع به داوری می‌پردازیم، دشوار بتوان بحثهای مربوط به استعمال دخان را عاری از حسّاسیت و تحریک‌پذیری ساخت: زیرا سیگاری‌ها می‌خواهند بدون محدودیت به استعمال دخان بپردازند و غیرسیگاری‌ها بر حقّ برخورداری از هوای غیرآلوده اصرار می‌ورزند.

در میان بهائیان، این مسأله به ندرت مورد بحث قرار گرفته، با این که این مسأله وجود دارد. این عیب اخلاقی اخیراً به نظر من رسید و آن موقع زیارت "لوح دخان" بود که به "لوح تنزیه و تقدیس" معروف است. ما در این متن با عبارت زیر مواجه می‌شویم که می‌فرمایند: "البته احبّای الهی بوصول این مقاله بهر وسیله که باشد ولو بتدریج ترک این عادت مضرّه خواهند فرمود. چنین امیدوارم."^(۴۰) بعد از متجاوز از هفتاد سال این امید هنوز تحقق نیافته است. بدین لحاظ، موقع مناسبی برای بررسی این موضوع است.^(۴۱)

از این لوح مبارک، کاملاً مشهود و معلوم است که دیدگاه بهائی در مورد شرب دخان، منفی است. می‌توان خود را راضی کرد تنها برای ملاحظه موضع بهائی به این متن مراجعه کرد. اما حضرت عبدالبهاء شرب دخان را فقط از یک نقطه نظر کلی، یعنی "تنزیه و تقدیس" مورد بحث قرار داده‌اند. صرفاً مطرح کردن این ارزش اخلاقی به طور کاملتر و تشریح اهمّیت آن از لحاظ تاریخ دین، وظیفه‌ای مجذوب‌کننده است که می‌تواند به ارزیابی بهتری از این ارزش منجر شود و آن را در عداد سلسله مراتب ارزشها قرار دهد و در تحلیلی نهایی موجب درک عمیق‌تر خود جامعه بهائی شود. اما اقدامات معدود دیگری نیز وجود دارند که در این زمینه سزاوار توجه فوری است و نشان می‌دهد که شرب دخان از لحاظ اخلاقی به مراتب بیشتر از آنچه که در ابتدا به نظر می‌رسد سؤال برانگیز است. این موضوع فرصتی را برای تعریف و تحدید ساختار اصول اخلاقی بهائی فراهم می‌آورد.

۴۰- مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۸

۴۱- وجوه طبی و اخلاقی شرب دخان موضوع مدرسه ناستانه بهائی آلمان در سال ۱۹۸۹ بود. مقاله حاضر متن سخنرانی مؤلف بود.

بخش دوم - دشواری پرداختن به مسائل اخلاقی

۱- سؤال در ارتباط با این که آیا رفتاری مجاز یا غیر مجاز، خیر، شرّ یا نه خیر و نه شرّ است، مربوط به اصول اخلاقی می‌شود. فرد بهائی که می‌خواهد بداند در یک وضعیت مورد نظر چگونه باید عمل کند، ابتدا به وجدان خود رجوع می‌کند، و چون وجدان او با استفاده از کلام منزله الهی، شکل گرفته، او به آثار مقدّسه، یعنی مجموعه آثار حضرت بهاءالله و تبیینات منصوصه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، مراجعه می‌کند. آنچه که برای هر فرد متدینی ممکن است بدیهی جلوه کند، همانطور که خواهیم دید، ضرورتاً چنین نیست.

امروزه ارائه معیارهای اخلاقی ملموس در جامعه ما مسأله‌ساز شده است. مسلماً، عالیترین ارزشهای اخلاقی در مجموعه آثار بهائی، محبت به همسایه خود و تمام عالم بشری، یا فضیلت اساسی انصاف و عدالت، مطمئناً با نظر مثبت تلقی می‌شوند. هر فردی بدون آن که خود را به ادنی تغییری در الگوی حیات روزمره‌اش متعهد سازد، می‌تواند با این ارزشهای فوق‌العاده انتزاعی نظر موافق اعلام نماید. اما، وقتی هنگام ارزیابی عملی رفتار روزمره که بر خود انسان تأثیر می‌گذارد، بخصوص هنگامی که نوبت به مناهی می‌رسد، حساسیت و آزرده‌گی به سرعت رخ می‌گشاید و خود را نشان می‌دهد.

بهائیان در این اجتماع زندگی می‌کنند و خواه ناخواه تحت تأثیر طرز تفکرهای متداول هستند، و در این اجتماع، تفکر به مقوله‌های اخلاقی روز بروز منسوخ‌تر و متروک‌تر می‌شود. بسیاری از مردم به آن عادت ندارند. در نظر بسیاری از آنها این نکته به نحوی فزاینده زیر سؤال می‌رود که مواردی چون هنجارهای اکید و وظائف تغییرناپذیر که با صراحت تام بیان می‌دارند چه باید کرد و چه نباید کرد، چه ضرورتی دارد. این طرز تفکر ملازم با نابودی دین و در نتیجه فرسایش نظام ارزشی مسیحیت است.^(۴۲)

در بسیاری از نقاط عالم، اخلاقیات، که فریدریش نیچه^(۴۳) آن را "شکل محترمانه حماقت"^(۴۴) می‌خواند، نه تنها قوه ملزم‌کننده کلی خود را از دست داده بلکه اهمیت بدیهی آن نیز از بین رفته و بسیاری از نفوس آن را عملاً نوعی حماقت می‌دانند. اخلاقیات عمده از سخنان روزمره رخت بر بسته و تقریباً فقط با لحنی طعنه آمیز و تمسخرگونه از آن یاد می‌شود. کسی که نقطه نظرات اخلاقی را حفظ نماید "مبلغ اخلاقیات" خوانده می‌شود که احدی مایل به ارتباط و تعامل با او نیست. این موضع در مباحثات سیاسی یا در میزگردهای تلویزیونی مشاهده می‌شود که در آنها به طرف صحبت هشدار داده می‌شود که به خاطر خدا به موعظه و درس اخلاق دادن نپردازد. بخصوص در رابطه با به اصطلاح "گروه‌های اقلیت اجتماعی" (مجرمین، مطرودین اجتماعی، روسپی‌ها، معتادان به مواد مخدر، همجنس‌بازان) یا در بحث از سقط جنین، شخص باید در کمال محبت از هر گونه بحث اخلاقی، هر چه که باشد، اجتناب نماید. نفوسی که چنین کاری نکنند، از خود سلب صلاحیت

۴۲- نگاه کنید به دو اثر نگارنده تحت عنوان *The Imperishable Dominion* صفحات ۲۴-۱ و ۲۲۴-۲۲۲ و نیز *Beyond the Clash of Religions* صفحات ۲۷ به بعد. توضیح مترجم: کتاب اخیر توسط خانم روحیه فنا بیان، تحت عنوان "فراسوی اختلاف مذاهب" به فارسی ترجمه شده است.

۴۳- Friedrich Wilhelm Nietzsche (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف آلمانی - م

۴۴- *The Will to Power*، شماره ۳۲۰

می‌کنند، و خویشتن را همانند فریسیون^(۴۵) و مرتجعین واپسگرا نشان می‌دهند. این جریان "اخلاق‌زدایی" با جامعه‌شناسی شروع شد؛ این که تا کنون چقدر این حرکت گسترش یافته با تطهیر معناشناختی زبان ما قابل درک است، که استفاده از کلیه اصطلاحاتی را که ممکن است متضمن هرگونه ملامت و انتقاد اخلاقی باشد ممنوع می‌سازد.^(۴۶)

البته، بهائیان اینگونه فکر نمی‌کنند. با این حال، تجربه در این مسائل نشان می‌دهد که آنها غالباً احساسات مشابهی دارند، که در این حال و هوای اجتماعی چندان تعجب‌آور نیست. لذا، شخصی که ضرورت‌های اخلاقی را بیان می‌کند و به این وسیله آرمانی را برای بشریت ترسیم می‌نماید "که در پرتو آن وجود یومیۀ خودِ شخص هزار برابر قاصر و عاجز مشاهده می‌شود"^(۴۷)، براحتی، به عنوان یک معلّم اخلاق، یک موعظه‌گر پرهیاهو که نفوس را به آتش جهنّم تهدید می‌کند، در مظان رفتار تصنعی یا ریاکاری قرار می‌گیرد و به تخطی از هنجار عمده و اساسی جامعه که انسان را از حق به جانب خود دادن نهی می‌کند، متهم می‌شود. حق به جانب خود دادن شکل تحریف شده‌ای از تقوی و پرهیزگاری است. بنا به گفته کنفوسیوس نفوسی که حق را به جانب خود می‌دهند "ضایع کننده اخلاقیانند."^(۴۸) حضرت بهاء‌الله همانطور که نفوس متقی و نیکوکار را با این بیان مورد ستایش قرار می‌دهند، "فيا حَبْدًا لمحسنٍ لن يستهزیء بمن عصی و یستر ما شهد منه"^(۴۹)، نفوسی را که حق به جانب خویش می‌دهند مکرراً و بدون ادنی مصالحه و مداخله‌ای مورد سرزنش قرار می‌دهند.^(۵۰) وقتی کسی از بهانه مسئولیت اخلاقی برای مذاقّه و موشکافی در هنجارهای رفتاری اجتماعی که عموماً پذیرفته شده استفاده می‌کند، آیا مشغله ذهنی این فرد عیوب و گناهان دیگران نیست؟ و بالاخره، آیا چنین شخصی از ضروریات و واجبات اصول اخلاقی خودش تخطی و تجاوز نمی‌کند؟ اگر قضیه همین باشد، عملاً پرداختن به اخلاقیات بهائی، که در جمیع ادیان بخش عمده‌ای از اصول عقیدتی و بحث‌الهیات ما را تشکیل می‌دهد، بالمرّه غیر قابل قبول است. اما، ما در اینجا با رفتار منحصر به فرد و شخصی یک فرد سر و کار نداریم، بلکه با رفتار مطلق و آرمانی نوع بشر مواجهیم؛ و قضاوت کردن این رفتار به طور مجرّد و مطلق نه تنها مجاز است، بلکه ضروری است، چه که کتاب خداوند "قسطاس الحق"^(۵۱)

۴۵- Pharisees توضیح مترجم: یک گروه یهودی است که در دوران اخیر هیکل ثانی به وجود آمد. اصرار آنها بر قوه ملزم کننده احادیث شفاهی ("تورات نانوشته") هنوز اصل عقیدتی بنیادی تفکر یهودی است. اگرچه فریسیون در اوایل سده دوم قبل از میلاد در تاریخ وجود ندارند، اما در حقیقت اسلاف روحانی حسیدیم هستند که به علّت زهد، عبادت مشتاقانه، و رعایت دقیق احکام تورات و سبت معروفند. (حسیدیم فرقه یهودی قبل از مسیحیت که منشأ آن معلوم نیست. آنها به علّت رعایت مصالحه‌ناپذیر شریعت یهودی معروفند. سوابق نشان می‌دهد که آنها آنچنان به شریعت متمسکند که شهادت و شکنجه را مشتاقانه بر کوچکترین تخطی از سبت ترجیح می‌دهند).

۴۶- نگاه کنید به صفحات ۴۲-۳۷ و ۴۹-۴۷ *The Imperishable Dominion*

۴۸- *The Analects XVII, 13*

۴۷- Josef Pieper, *Das Viergespann*, p. 11

۴۹- سوره البیان، آثار قلم اعلیٰ ج ۴، ص ۱۱۵

۵۰- "لا تَنفَسْ بِخَطَاةٍ أَحَدٍ مَّا مَدَّتْ خَاطِئًا وَ إِن تَفْعَلْ بِغَيْرِ ذَلِكَ لَمَعُونَ أَنْتَ وَ أَنَا شَاهِدٌ بِذَلِكَ." (کلمات مکنونه عربی، فقرة ۲۷). "کیف نسبت عیوب نفسیک و اشتغلت بعیوب عبادی. من کان علی ذلک فعلیه لعنة منی." (همان، فقرة ۲۶) "لسان مخصوص ذکر من است بغیبت نیالائید و اگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من. زیرا که هر کدام از شما بنفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من." (کلمات مکنونه فارسی، فقرة ۶۶)

۵۱- اقدس، بند ۹۹

است که "قد یوزن ما عند الامم بهذا القسطاس الاعظم" (۵۲) و "به یفصل الحق عن الباطل" (۵۳) در زمانی که "لادری نفس ما بیصره و یعمیه و ما یضله و یهدیه" (۵۴) ما با این امر عظیم مواجهیم که فکر کنیم، کدام یک از اعمال و وظایف ما، اعم از این که بعضی از طرق عملی مقبول یا قابل بحث در اجتماع باشد، مجاز یا ممنوع است. در غیر این صورت به چه طریق ما می‌توانیم وظیفه‌ای را که حضرت عبدالبهاء در یکی از مناجاتهای خود توصیف فرموده‌اند ایفا نماییم: "ادحاض الباطل و احقاق الحق" (۵۵)

به عبارت دیگر، این قضیه قضاوت غیرسیگاری‌ها در مورد سیگاری‌ها، یا حق به جانب‌هایی که به محکوم کردن گناهان دیگران می‌پردازند نیست. بلکه تلاشی است در مورد تردید قرار دادن اخلاقیات تجویزی و هنجاری در موضوعی بحث‌برانگیز "بدون هیچگونه خشمی یا حرارتی" (۵۶) سیگاری‌هایی که این مطلب را می‌خوانند ممکن است آن را فرصتی برای تجدید نظر در عادت خویش بیابند. چنان که تجربه روزمره ما نشان می‌دهد، دلیل و منطق (۵۷) صرفاً قوه محرکه ضعیفی است. و الا شواهد فراوان علیه شرب دخان آنها را مدتها قبل از میان برداشته بود. شاید بهائیان، وقتی که مشاهده کنند وقتی به شرب دخان مبادرت می‌ورزند به طرق کثیره در تضاد با ضوابط و معیارهای الهی زندگی می‌کنند، بیشتر در اثر این بینش و نه صرفاً به علل طبی، کشیدن سیگار را بالمزه ترک گویند.

۲- قبل از آن که به بقیه نظریه‌ام بپردازم، مایلیم تجربه‌ای آموزنده را با خوانندگان در میان بگذارم. اگر نفسی عزم را جزم نماید که در مورد موضوعی مطلب بنویسد که، تا آنجا که من می‌توانم اظهار نظر کنم، معقول آن است که سایر کتب و نوشته‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهد. نفوس حساس بسیاری هستند که در خصوص مواضع اجتماعی - سیاسی مرتبط مطلب می‌نویسند و بسیار ارزشمند خواهد بود که بدانیم سایرین، مثلاً علمای الهیات، فلاسفه، یا دانشمندان علوم اجتماعی در این خصوص چه اندیشیده و چه نوشته‌اند. ما هیچ دیدگاه امری از نوشته‌های آنها به دست نمی‌آوریم، اما ممکن است انگیزه‌های ذهنی، حداقل با ماهیت روش شناختی کسب کنیم.

اما در این خصوص، جمیع مساعی در یافتن چنین نوشته‌هایی با شکست مواجه شده است. مطالب طبی بسیاری در خصوص شرب دخان و نیز نوشته‌های فراوانی از نقطه نظر روانشناسی، حتی اسقفی، در این خصوص وجود دارد، اما هیچ نوشته‌ای نیست که پرتوی از جنبه‌های اخلاقی، یا اخلاقی - عقیدتی بر آن بیفکند. اداره فدرال جوانان، خانواده و بهداشت آلمان (۵۸) و نیز دفتر مرکزی اعتیاد آلمان (۵۹) نتوانستند

۵۲- لوح احمد، ادعیه محبوب، طبع طهران، ص ۱۸۲

۵۲- همان / به بندهای ۱۴۸ و ۱۸۳ نیز توجه شود

۵۴- لوح حکمت، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۷

۵۵- توضیح مترجم: این عبارت بخشی از مناجاتی کوتاه است که می‌فرمایند: "رَبِّ وَفَّقْ عَبْدَكَ هَذَا عَلَى اعْلَاءِ الْكَلِمَةِ وَ ادْحَاضِ الْبَاطِلِ وَ احْقَاقِ الْحَقِّ وَ نَشْرِالْآثَارِ وَ ظَهْرِ الْأَنْوَارِ وَ طُلُوعِ الْأَصْبَاحِ فِي قُلُوبِ الْأَبْرَارِ أَنْتَ الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۲)

۵۶- "sine ira et studion", Tacitus, *Annals I, 1*.

۵۷- گوته می‌گوید، "او آن را دلیل و منطق می‌خواند، اما با بی‌شعوری به مراتب بیش از بی‌شعوران، آن را با طبقه‌های خویش منطبق می‌سازد." (Goethe,

Faust I, Prologue in Heaven, Mephistopheles)

۵۸- Bundesministerium für Jugend, Familie und Gesundheit.

نوشته‌ای یا اثری در این خصوص بیابند. حتی دفتر مرکزی انجیلی برای مواضع جاری جهان^(۶۰) که از نهادهای کلیساهای پروتستان آلمان است و آکادمی کاتولیک باواریا^(۶۱) نتوانستند کمکی به من بکنند. مدیریت تحقیق آکادمی پروتستان بادن^(۶۲) به من گفت که سؤال من او را به نحو دردآوری آگاه کرد که تنها می‌تواند اشارات بسیار کلی به هزینه‌های اجتماعی دخانیات و ضررهای آن در اختیار من بگذارد. دیتمار میت^(۶۳) استاد الهیات اخلاقی کاتولیک در دانشگاه توبینگن^(۶۴)، بالاخره تأیید کرد که هیچگونه مطالعات اخلاقی در زمینه شرب دخان صورت نگرفته است. نامه او آموزنده و دارای این اطلاعات بود:

اما در کمال مسرت به شما می‌گویم که چرا هیچ مطالعه اخلاقی در مورد مصرف دخانیات وجود ندارد: آنچه که از لحاظ اخلاقی صحیح است در اثر عواقب اقدامات فرد تعیین می‌گردد. اگر این عواقب عمده منفی باشند، همانطور که امروزه در مورد مصرف دخانیات مصداق دارد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند که از لحاظ اخلاقی مورد بحث واقع شود. حد اعلاي موضوع این است که مسأله فوریت در توقف و ترک آن باید تعیین شود. اما این مسأله بیش از آن که به اخلاقیات مربوط باشد با روانشناسی انگیزشی ارتباط دارد.

این نامه نشان می‌دهد که علمای الهیات اخلاقی امروز کاتولیک دیگر دست به تفکر اخلاقی در ارتباط با کلام الهی و احادیث و سنن کلیسایی نمی‌زنند. آنها با واقعیات شروع می‌کنند. به این ترتیب، دیگر معیار آنها اراده الهی و مجموعه هنجارها و ضوابطی که با وضع احکام الهی حاصل می‌شود نیست، بلکه عین واقعیت است.^(۶۵) در اینجا معلوم می‌شود که چه بر سر الهیات اخلاقی آمده است؛ الهیاتی اخلاقی که مدت تقریباً دو هزار سال رهنمودهای اخلاقی مسیحی را منتقل نموده و آنها را در خصوصی‌ترین زمینه‌های زندگی وارد ساخته است، تحت فشار علوم اجتماعی قرار گرفته که در پایان هزاره دوم "آزادی اصول اخلاقی" را اعلام نماید، و بیان کند که چیزی به نام اخلاقیات بنیادی و جدی مسیحی وجود ندارد و این که تنها دلیل و منطق است که می‌تواند تفاوت بین خیر و شر را برای ما بیان کند.^(۶۶)

۵۹- Hauptstelle gegen Suchgefahren

۶۰- Evangelische Zentralstelle für Weltanschauungsfragen

۶۲- Evangelische Akademie Baden

۶۱- Katholische Akademie in Bayern

۶۴- Tübingen

۶۳- Dietmar Mieth

۶۵- این یادآور یکی از شعارهای دنگ شیائو پینگ Deng Xiaoping است که می‌گفت: "در میان واقعیت‌ها دنبال حقیقت بگردید!"

۶۶- مقایسه کنید با *Autonome Moral und christlicher Glaube* (اخلاقیات آزاد و دیانت مسیحی) اثر آلفونس اویر Alfons Auer طبع ۱۹۷۷ در توبینگن، صفحات ۱۲، ۲۱، ۳۰-۲۸، ۴۷-۴۶؛ نیز *Fundamental moral* (اخلاقیات بنیادی) اثر فرانسیس بوکل Franz Böckle طبع ۱۹۷۷ در مونیخ؛ و نیز "Werte und Normbegründung" (ارزشها و شالوده معیارها و هنجارها) مندرج در *Christlicher Glaube in moderner Gesellschaft* (دیانت مسیحی در جامعه نوین) به سردبیری فرانسیس بوکل، شماره ۱۲ (Freiburg 1981) صفحه ۳۷. بنا به گفته ژوزف پیپر Joseph Pieper الهیات سیستماتیک اخلاقی امروزه به طور عمده منطبق با "وجدان عمومی اخلاقی" است؛ او در هر دو آنها تجلی "فرایند انتقال روحانی با ریشه‌های عمیق" را مشاهده می‌کند (Das Viergespann, p. 18). همچنین نگاه کنید به *The Imperishable Dominion* اثر اودو شفر صفحات ۲۲۲-۲۲۴ و نیز از همان نویسنده *Die Freiheit und ihre Schranken*, p. 48 و نیز *Desinformation als Methode* اثر مشترک اودو شفر، نیکولا توفیق و

اما راهنمای فرد بهائی، مجموعه‌ای از معیارها و ارزش‌هایی است که حضرت بهاء‌الله عنایت فرموده‌اند. ایشان شارع و قانونگذار الهی هستند که، مانند حضرت موسی که شریعت را روی کوه سینا به عالم بشری اعطاء فرمود، معیارها و ضوابط اخلاقی را مجدداً تعریف کردند و قوهٔ جدیدی برای تعهد و الزام به آن بخشیدند.^(۶۷) بنابراین، نقطهٔ آغاز برای هر تفکری بر مسائل اخلاقی همانا آثار مبارکهٔ حضرت بهاء‌الله است. حال ما باید به آثار مقدسهٔ آن حضرت توجه کنیم.

اولریش گلمر، ص ۳۱۱. این جریان مورد انتقاد تند و شدید پاپ جان پل دوم واقع شده که در بخش نامهٔ "*Veritatis Splendor*" در تاریخ ۱۹۹۳ منعکس گشته است (نگاه کنید به شمارهٔ ۱۳، ۱۵، ۸۴ به بعد، ۱۰۲ به بعد، ۱۱۴ به بعد).
۶۷- "قَدْ رَجَعَ حَدِيثُ الطَّوْرِ فِي هَذَا الظُّهُورِ... وَ وَصَى الكَلِّ بِمَا يَرْتَفِعُ بِهِ أَمْرُ اللَّهِ وَ يَهْدِي الكَلِّ إِلَى صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ." (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، چاپ دوم، ۱۵۶ بدیع، آلمان، لجنهٔ نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ص ۱۵۴)

بخش سوم - شرب دخان نهی صریح نیست

۱- در آثار حضرت بهاءالله نهی قانونی شرب دخان مشاهده نمی‌شود. در کتاب اقدس، که کتاب احکام و حدود می‌باشد، ما نهی از شرب مسکرات و افیون را مشاهده می‌کنیم^(۶۸)، اما در خصوص دخانیات سکوت اختیار شده است. از آنجا که شریعت اسلامی قبلاً این اصل بدیهی را تثبیت کرده که هر آنچه بالصّراحه منع نشده مجاز می‌باشد^(۶۹)، از این سکوت ما باید استنباط کنیم که شرب دخانیات مجاز است و ممنوع نیست.^(۷۰) این فرضیه وقتی بیشتر مورد تأیید قرار می‌گیرد که بدانیم حضرت باب بالصّراحه شرب دخان را منع فرموده بودند^(۷۱) و این که حکم بیان، که فقط برای مدتی کوتاه تنفیذ شده بود^(۷۲)، متعاقباً توسط حضرت بهاءالله منسوخ شد^(۷۳)، مگر احکامی که آن حضرت بالصّراحه در زمره احکام کتاب اقدس منظور فرمودند.^(۷۴) چون

۶۸- توضیح مترجم: نهی از شرب مسکرات بالصّراحه در کتاب اقدس موجود نیست و آیه نازل فقط در ذم آن آمده است. آنچه که ذکر شده این بیان مبارک است: "لیس للعاقل أن یشرّب ما یذهب به العقل و له أن یعمل ما ینبغی للانسان لا ما یرتکبه کلّ غافل مرید." (بند ۱۱۹) همانطور که مشاهده می‌شود کلامی که دال بر حرمت و نهی باشد مانند "قد حرّم" و امثال آن نیامده است. اما در سایر الواح حرمت آن تصریح شده است. فی المثل در لوح رام می‌فرمایند: "ایاکم أن تبدلوا خمرالله بخمر انفسکم لآنها یخامر العقل و یغلب الوجه عن وجه الله العزیز البدیع المنیع و اثم لا تتقرّبوا بها لآنها حرّم علیکم من لدی الله العلیّ العظیم. أن اشرین یا إمام الله خمر المعانی من کتوس الکلمات ثم اترکن ما یکرهه العقول لآنها حرّم علیکم فی الالواح و الزّورات ... أن اسکون بخمر محبة الله لا بما یخامر به عقولکم یا أیتها القانتات آتھا حرّم علی کلّ مؤمن و مؤمنة" (گنجینه حدود و احکام، ص ۴۲۹) حضرت عبدالبهاء در تبیین بیان فوق می‌فرمایند، "استعمال مسکرات به نص کتاب اقدس مذموم است خواه مسکرات قویّه و خواه مسکرات خفیفه و مذمّم این است که عقل زائل گردد و سبب ضعف بنیه شود." (ضمائم کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۲۰۱) و در بیانی دیگر می‌فرمایند، "خمر سبب ذهول عقل است و صدور حرکات جاهلانه" (همان، ص ۲۲۰) اما با توجه به بیانات مبارکه حضرت بهاءالله، تبیین حضرت عبدالبهاء در خصوص بیان مذکور در کتاب اقدس، در لوح جناب استاد علی فخّار و جناب استاد عبدالله فخّار و جناب آقا سید ابراهیم بنا، چنین است، "اما شراب بنص کتاب اقدس شربش ممنوع، زیوا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است..." (گنجینه، ص ۴۲۹ / امر و خلق ج ۳، ص ۵۰) حضرت ولی امرالله نیز در تحریم آن فرموده‌اند، "شرب خمر و تریاک از محرّمات منصوصه حتمیه است." (همان)

۶۹- "وقتی که معلوم نیست که امری باید ممنوع یا مجاز اعلام گردد، مجاز بودنش مرجح است زیرا این اصل است." (I. Goldziher در Introduction to Islamic Theology and Law مفدّمه‌ای بر الهیات و احکام اسلامی، ص ۵۶)؛ همچنین نگاه کنید به *Ethics in Islam* (اخلاقیات در اسلام) اثر هوانسیان، al-Ahkam al-Khamsa (تلویحات حقوقی احکام خمسّه برای امروز) اثر کمال فاروقی؛ و نیز *Ethics in Islam* (اخلاقیات در اسلام) اثر هوانسیان، ص ۶۶

۷۰- توضیح مترجم: همین نکته بالصّراحه در امر بهائی بیان شده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "سؤالی که نموده بودید؛ عدم ذکر در الواح نصّ جواز است، زیرا منهی از نصوص استنباط می‌شود." (مائده آسمانی، ج ۲، باب سی و ششم)

۷۱- بیان فارسی، باب سابع از واحد ناسع / خصائل سبعة (نگاه کنید به مطالع الانوار، ص ۱۲۹) توضیح مترجم: بیان حضرت اعلی در بیان فارسی چنین است: "در نفی نظر کن و نهی شده از تباکو و اشباه آن و آنچه که از سمت خراسان حمل میشود که رایحه غیرطبیّه دارد و امثال آن بهر نوع که منقلب گردد."

۷۲- یعنی تا ظهور "من یتظهره الله" که عبارت از حضرت بهاءالله و نزول کتاب اقدس است.

۷۳- اصل منطقی حقوقی که *lex posterior derogat legi priori* [قانون پسین ناسخ قانون پیشین است] در شریعت الهی نیز منعکس است: حضرت محمد احکام تورات را با احکام قرآنی نسخ فرمود، حضرت باب با کتاب بیان شریعت اسلامی را منسوخ نمود. اما، ارتباط بین دو ظهور حضرت بهاءالله و حضرت اعلی حالتی خاصّ و استثنایی دارد. کوتاهی رسالت حضرت اعلی یکی از اسرار امر بهائی است: "فاصله کوتاهی که این امر

نهی از استعمال دخان که در کتاب بیان آمده در زمره این احکام منظور نشده است، این نهی توسط حضرت بهاء‌الله نسخ شده است.^(۷۵) در این مورد بحث دیگری وجود ندارد. نه در ضمیمه کتاب اقدس (رساله سؤال و جواب) می‌توان اشاره‌ای به شرب دخان می‌توان یافت، نه در الواح نازله بعد از کتاب اقدس.^(۷۶) حضرت بهاء‌الله این نکته را در لوحی که توسط کاتب هیکل مبارک از طرف ایشان نوشته شده مورد تأیید قرار می‌دهند:^(۷۷)

”حکم قلیان در کتاب اقدس نازل نشده. حقّ جلّ کبریائوه نظر بحکمت بالغه و حفظ در این فقره حکمی نفرموده‌اند تا دوستان حق مبتلا نشوند.^(۷۸) این قدر از لسان مبارک استماع شد که اطفال را تربیت نمایند تا از اوّل معتاد بآن نشوند. جز این کلمه مبارکه استماع نشده و الیوم جمیع مأمور به کتاب اقدس اند که بآن عامل شوند و آن هم نه اعمالی که الیوم سبب تفصیل و ضوضاء خلق شود.^(۷۹)“

حضرت عبدالبهاء در لوح تنزیه و تقدیس این موضوع را تشریح فرموده‌اند:

حضرت اعلی در بدایت امر بصراحت منع فرمودند و جمیع احباء ترک شرب دخان نمودند. ولی چون

اعظم بدیع را از ظهور قلم جدا نمود رمزی است که احدی پی به آن نبرد و سرّی که هیچ نفسی به کُنه آن راه نیابد.“ (ترجمه بیان حضرت بهاء‌الله منقول در دور بهائی، صص ۴۶-۴۵)

۷۴- در لوح اشراقات می‌خوانیم: ”حضرت مبشّر... احکامی نازل فرموده‌اند و لکن عالم امر معلق بود بقبول لذا این مظلوم بعضی را اجرا نمود و در کتاب اقدس عبارت آخری نازل و در بعضی توقف نمودیم. الأمر یدیه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید و بعضی از احکام هم بدعاً نازل.“ (مجموعه اشراقات، ص ۸۳)

۷۵- نگاه کنید به صفحه ۲۳۱ کتاب *The Revelation of Baha'u'llah* جلد سوم اثر ادیب طاهرزاده با ارجاع به بیان حضرت عبدالبهاء که توسط فاضل مازندرانی نقل شده است (امر و خلق ج ۱، ص ۸).

توضیح مترجم: مقصود نویسنده این بیان حضرت عبدالبهاء است: ”اما کتاب بیان به کتاب اقدس منسوخ است و احکامش غیر معمول مگر احکامی که در کتاب اقدس تکرار بیان و تأکید شده و مادون آن احکام مؤکده در کتاب اقدس باطل بیان تعلق دارد بما تعلق ندارد ما مکلف به احکام کتاب اقدس هستیم.“

۷۶- منتشر شده توسط لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، آلمان، ۱۳۷ بدیع (چاپ دوم، ۱۵۶ بدیع)

توضیح مترجم: این کتاب شامل الواح کرمل، اقدس، بشارت، طراوات، تجلیات، کلمات فردوسی، دنیا، اشراقات، حکمت، اصل کلّ الخیر، مفسود، سوره وفا، لوح سید مهدی دهجی، کتاب عهدی، لوح ارض با و منتخباتی از الواح سائره است.

۷۷- به یادداشت مندرج در ص ۱۵۹ *Tablets of Baha'u'llah* مراجعه نمایید.

توضیح مترجم: این یادداشت که ترجمه‌اش در مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی نیامده مربوط به نقش میرزا آقاخان خادم‌الله است. در این یادداشت آمده است: ”بهائیان لاجل احترام به جای آن که مستقیماً با حضرت بهاء‌الله مکاتبه نمایند، خطاب به کاتب ایشان که ملقب به ”خادم‌الله“ و ”عبد حاضر“ بود می‌نوشتند. جواب آنها به شکل نامه‌ای از قلم میرزا آقاخان صادر می‌شد که بیانات جمال مبارک را نقل می‌کرد اما در واقع تمام آن توسط حضرت بهاء‌الله تقریر میشد. به این ترتیب تمام بخشهای لوح، حتی قسمتهایی که ظاهراً کلمات خود میرزا آقاخان است، جزو آثار مقدسه نازل از قلم حضرت بهاء‌الله محسوب می‌شود. لوح مقصود به این شکل نازل شده و خطاب به میرزا مقصود، یکی از احبای اولیه است که ساکن دمشق و اورشلیم بود.“

۷۸- اشاره است به حکم نهی از استعمال دخان نازله از قلم حضرت اعلی (به یادداشت شماره ۷۱ مراجعه شود). چون بایبان اولیه از استعمال دخانیات اجتناب می‌کردند، به راحتی شناخته و مورد ایذاء و آزار واقع می‌شدند. ۷۹- امر و خلق، ج ۳، ص ۴۷

زمان تقیه بود^(۸۰) هر نفس که از شرب دخان امتناع می نمود مورد اذیت و جفا میشد بلکه در معرض قتل میآمد لهذا احبباء بجهت تقیه بشرب دخان پرداختند. بعد کتاب اقدس نازل شد چون تحریم دخان صریح کتاب اقدس نبود احبباء ترک ننمودند. اما جمال مبارک همیشه از شرب دخان اظهار کراهت میفرمودند. حتی در بدایت بملاحظه ثنی قدری استعمال میفرمودند بعد بکلی ترک فرمودند و نفوس مقدّسی که در جمیع امور متابعت جمال مبارک مینمودند آنان نیز بکلی ترک شرب دخان کردند.^(۸۱)

حضرت بهاءالله به این علّت شرب مشروبات الکلی را تحریم فرمودند اما شرب دخان را که خطرات صحی آن چندان کمتر از الکل نیست حرام نفرمودند که این موضوع چندان از آن حضرت سؤال نمی شد. ما به این مسأله بعداً باز خواهیم گشت. در این لحظه صرفاً باید به این نکته توجه کنیم که شرب دخان در ایام صیام ممنوع است.^(۸۲)

۲- این که سلوک و رفتاری صریحاً منع نشده و به این ترتیب طبیعتاً شرّ و نامطلوب نمی باشد، البته بدان معنی نیست که از لحاظ اخلاقی عادی و بی اثر و در نتیجه غیر قابل اعتراض است. بسیاری از انواع رفتارها ممکن است صریحاً نهی نشده باشد، اما در عین حال با مقتضیات اخلاقی ناسازگار باشد. تنها رفتاری که اکیداً منع شده آن است که، طبق حکمت الهی، آنقدر برای رشد فرد یا جامعه مضرّ است که تحت هیچ شرایطی قابل قبول نیست. منهیات قدیمی مانند "قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، بر همسایه خود شهادت دروغ مده،"^(۸۳) اعلی منافع ما، یعنی زندگی و اعضاء بدن ما، اموال و استحکام قضایی و داوری ما را حفظ و صیانت خواهند کرد. بدون این حدّ اقلّ اخلاقیات، هیچ جامعه متمدنی نمی تواند بقا یابد. این نظریه در فقره‌ای از لوح تنزیه و تقدیس مورد تأیید واقع می شود. می فرمایند:

زیرا کتب مقدّسه منع از تناول هر شیء کثیف و استعمال هر چیز ناپاک می نماید. ولی بعضی منهی قطعی بود و ممنوع بکلی و مرتکب آن مبعوض حضرت کبریا و مردود نزد اولیاء مانند اشیاء محرّمه تحریم

۸۰- تقیه که به معنی انکار ایمان و اعتقاد شخص در حین مواجهه با خطر است (قرآن کریم، سوره نحل آیه ۱۰۶) در میان اهل تشیع اهمیت خاصی یافت (نگاه کنید به *Shorter Encyclopaedia of Islam* ذیل ماده Taqīya). در حالی که تقیه در دیانت حضرت باب و نیز در طوق حیات عنصری حضرت بهاءالله مجاز بود، اکنون از اصول امر بهائی محسوب نمی شود. برای اطلاع از جزئیات بیشتر به کتاب *Desinformation als Methode* اثر اودو شفر، نیکولا توفیق و اولریش گولمر، صفحات ۲۷۳-۲۶۵ مراجعه نمایید.

۸۱- مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۷

۸۲- حضرت عبدالبهاء توضیح فرموده اند که استعمال دخان نوعی شرب است (در لسان عربی، فعل شرب برای "نوشیدن" و نیز "مصرف دخان" استعمال می شود (به تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس، ص ۴۴، شماره ۱۶ مراجعه نمایید).

توضیح مترجم: فقره مورد نظر نویسنده این است: "حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح بعد از اشاره به این که صوم عبارت از کفّ نفس از اکل و شرب است تصریح می فرمایند که دخان نیز از جمله "مشروبات" است (در لسان عربی فعل "شرب" برای استعمال دخان نیز بکار می رود). "به نظر می رسد اشاره به این بیان حضرت عبدالبهاء باشد که در صفحه ۴۵ گنجینه حدود و احکام درج شده است: "ای سائل، صوم عبارت از کفّ نفس است از جمیع مأكولات و مشروبات. دخان از جمله مشروبات است و انسان نباید لسان را بکلمات فظیحه بیالاید."

۸۳- عهد عتیق، سفر خروج، باب بیستم، آیات ۱۶-۱۳ / سفر تثنیه، باب پنجم، آیات ۲۰-۱۷

قطعی که ارتکاب آن از کبایر معاصی شمرده میشود و از شدت کثافت ذکرش مستهجن است. اما منهیات دیگر که ضرر فوری ندارد ولی تأثیرات مضره به تدریج حاصل گردد آن منهیات نیز عندالله مکروه و مذموم و مدحور. ولی حرمت قطعی منصوص نه. (۸۴)

بخش چهارم - اصل عقیدتی و وظیفه در امر بهائی

۱- وظایف و تکالیف اخلاقی مانند انجام دادن یا خودداری از ارتکاب عملی، نتیجه ارزشهای هنجاری و تجویزی و مجموعه بسیاری از فضائلی است که در آثار حضرت بهاءالله یافت می‌شود. بنابراین ما باید هر رفتاری را (حتی اگر صریحاً منع نشده باشد) با توجه به کل مجموعه این فضیلت‌ها مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم یقین حاصل کنیم که آیا این رفتار خاص با وظایف و تکالیفی که در آنجا مشاهده می‌کنیم در تضاد است یا در انطباق.

همانطور که در امر قانون و حقوق مطرح است، در اخلاقیات، رفتار ملموس باید در طبقه خاصی از ضوابط قرار گیرد. این شمول ضروری و اجتناب‌ناپذیر بدون تفسیر و تعبیر امکانپذیر نیست زیرا کاربرد ضابطه و هنجار منوط به درک آن است. مفهوم و هدف یک ضابطه و هنجار، یعنی رابطه قانونی، و نیز ارتباطش با سایر هنجارها در سلسله مراتب ارزشها باید روشن و واضح باشد. مضافاً، سایر دلالات ضمنی مانند گستره و محدوده آن را باید بررسی نمود.

در "تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس" (۸۵) نهی از تأویل ذکر شده است که بسیاری را به این تصور رهنمون شده که در جامعه منتسب به حضرت بهاءالله هیچ تأویل و تفسیری به جز تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله وجود ندارد. آیا امر بهائی دیانتی بدون تفسیر و تعبیر است؟ بدیهی است که این استنباط مبتنی بر درک اشتباه از معنا و مفهوم "تأویل" است. تفسیر یک تحقیق روش‌شناختی در مفهوم و معنا است که بدون آن کلام الهی غیر عملی و بیهوده خواهد بود. هر گونه ابلاغ امر که و رای نقل قول صرف باشد، هر گونه ترجمه‌ای به زبانی دیگر، حتی تفکر در خصوص کلام منزله الهی، تحقیق عملی در مورد معنی و مفهوم، فی نفسه تفسیر و تعبیر محسوب می‌شود. نهی از این به معنای نهی از تفکر است و هیچ امری بیش از اخته تعقلی و تفکری مؤمنین با هدف الهی در تضاد و تباین نخواهد بود.

تفسیر و تعبیر توسط آحاد احباء ابداً ممنوع نیست. در واقع، این استنباطها و تعبیرات "نتیجه فکر بشری است". (۸۶) اما حضرت بهاءالله تبیین منصوص را با تخصیص آن در کتاب اقدس و کتاب عهدی به حضرت عبدالبهاء محدود فرموده‌اند. (۸۷) حضرت عبدالبهاء نیز حضرت شوقی افندی را در الواح مبارکه و صایا به عنوان مبین منصوص آثار مبارکه منصوب فرمودند. تأسیس و تثبیت یک مقام منصوص تبیین کننده به خودی خود هر گونه تبیین دیگری را که مدعی تفه و صحت تام باشد منتفی می‌نماید. حضرت بهاءالله در لوح مبارک اتحاد نهادی به نام طبقه روحانیت را ملغی فرمودند. (۸۸) به این ترتیب، در جامعه منتسب به حضرت بهاءالله، هیچ طبقه خاص و مجزایی از روحانیون مانند علما در اسلام، وجود ندارد که با مرجعیت الزام آور به تعبیر و تفسیر احکام مذهبی بپردازند.

غیر از این، کتاب اقدس حاوی هیچ نهی کلی از تأویل و تفسیر نیست، بلکه صرفاً هر گونه تعبیر و تفسیر

۸۵- ص ۲۹ فارسی و ص ۴۷ انگلیسی

۸۶- کتاب اقدس، یادداشتها و توضیحات، ص ۱۹۲

۸۷- بند ۱۲۱

۸۸- به صفحات ۱۹۱ به بعد در جلد چهارم *Revelation of Baha'u'llah* اثر ادیب طاهرزاده مراجعه نماید.

آیه‌ای "بغیر ما نزل فی الظاهر" که "حرف کلمة الله العلیا"^(۸۹) نهی شده است. این عملاً و واقعاً امری بدیهی است زیرا چنین تفسیری مباین با "معنای واضح" نه در امور قضایی^(۹۰) مجاز است نه در الهیات^(۹۱). معهداً، این نهی با توجه به تجربه تاریخی مشروع و منطقی است. به این ترتیب، کتاب مستطاب اقدس محدودیتی ظاهری برای تعبیر و تفسیر قائل می‌شود که در محدوده آن آحاد مؤمنین حق دارند عقاید خویش را اظهار نمایند و مختارند بدون آن که مدعی شوند نظر آنها نظر قطعی و منصوص است، آن را بیان کنند.^{(۹۲)(۹۳)}

۲- با توجه به این قرائن، ما باید به خود یادآور شویم که تأسیس نظم جهانی حضرت بهاء‌الله که عبارت از ظهور "ملکوت الهی بر وجه ارض" است، به این معنا است که تمام زندگی خصوصی و عمومی باید با مقتضیات مجموعه آثار ظهور جدید منطبق گردد. در این رابطه، امر بهائی بیش از آن که مماثل دیانت مسیحی باشد، شبیه دیانت کلیمی و اسلام است زیرا بیش از جمله بندی حدسیات جزمی و تصوّف بی نتیجه، بر رفتار و سلوک صحیح تأکید می‌نماید. لهذا، ما راست‌کرداری و درست‌رفتاری^(۹۴) داریم نه راست‌عقیدتی و درست‌آئینی^(۹۵). هنوز مجموعه‌ای از تکالیف مذهبی قابل مقایسه با فرضاً شریعت اسلامی حتی در ابتدایی‌ترین شکل خود پدید نیامده است. این بدان معنی است که اگر سعی کنیم به طبقه بندی سیستماتیک مبادرت نماییم، در مراحل ابتدایی و بکر حرکت می‌کنیم.^(۹۶)

۸۹- کتاب اقدس، بندهای ۳۷ و ۱۰۵

۹۰- نگاه کنید به *Einführung in das juristische Denken* اثر Karl Engisch صفحات ۸۵ به بعد

۹۱- نگاه کنید به ذیل لغت "Exegese" در *Lexikon für Theologie und Kirche* جلد ۳، صفحه ۱۲۷۳

۹۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "در بنیاد و اساس امرالله اصل حق بلا تردید فرد برای اظهار عقیده شخصی" و آزادی او "برای بیان مافی‌الضمیر و بیان نظراتش" قرار دارد (ترجمه - *Baha'i Administration* ص ۶۳). "خداوند به انسان قوه عاقله عطا فرموده که از آن استفاده شود نه آن که عاطل و باطل ماند." (*Principles of Baha'i Administration*, p. 25) (نقل ترجمه جمله اخیر از صفحه ۳۲ کتاب نظامات بهائی، لجنه ملی نشر آثار امری)

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مآخذ زیر مراجعه نمایید:

۱- مقاله *Some Interpretive Principles in the Baha'i Writings* اثر سینا فاضل و خاضع فناپذیر مندرج در *The Baha'i Studies Review*. A Publication of the Association for Baha'i Studies, English Speaking Europe, Vol. 2 No. 1

۲- مقاله *Seeing with the Eye of God: Relationships between Theology and Interpretation* اثر مایکل سورس مندرج در همان نشریه سال اول شماره اول صفحات ۳۱ به بعد.

۳- مقاله *Relativism: A Basis for Baha'i Metaphysics* اثر موژان مؤمن مندرج در *Studies in Babi and Bahá'i Religions* جلد پنجم طبع مؤسسه مطبوعاتی کلمات، لوس آنجلس، ۱۹۸۸.

۴- در مورد کل موضوع نگاه کنید به *Desinformation als Methode* اثر مشترک شفر، توفیق و گلمر، صفحات ۱۵۴-۱۴۴

۹۳- توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "انکار مرجعیت آیات منزله کفری است صریح و جلوگیری کامل از اظهار عقیده شخصی درباره آیات مبارکه، امری است قبیح. باید سعی کرد میان این دو حالت افراطی حد اعتدال را رعایت نمود." (نظامات بهائی، ص ۳۲) و در همان مأخذ می‌فرمایند، "مادامی که شخص صریحاً بگوید که آنچه اظهار میدارد نظریات خصوصی اوست نباید آزادی او را در اظهار عقیده شخصی محدود نمود. در حقیقت این قبیل توضیحات اغلب مفید واقع میشود و بدان وسیله بهتر میتوان به تعالیم الهی پی برد."
orthopractice - ۹۴

orthodoxy - ۹۵

۹۶- برای شرح بیشتر به مقاله نگارنده تحت عنوان *The New Morality: an outline* مندرج در *the Bahá'i Studies Review* سال پنجم.

در بدایت امر، تکالیف عبارت از وظائفی هستند که ما باید نسبت به ذات الهی^(۹۷) و نیز سایرین به آن عامل باشیم. اما، می‌توانیم تکالیف را وظائفی نسبت به خودمان نیز در نظر بگیریم. چنین وظائفی به اصطلاح عبارتند از مقتضیات یک زندگی پرمعنی و مفهوم. آنها با منافع عالیه نه کوتاه‌فکرانه ما منطبقند، یعنی با منافع حقیقی نوع بشر. در اصول اخلاقی مذهبی ارزشها، وظائف و تکالیف منتجّه مبتنی بر آثار مبارکه منزله الهیه هستند. در تحلیلی نهایی، ارزشها و تکالیف اخلاقی مبتنی بر دلیل و منطق نیستند. در وراى آنها مرجعیت شارع الهی قرار دارد. جمیع وظائف و تکالیف، از جمله مواردی که ما نسبت به خود داریم، در عین حال در قبال خداوند بدان موظفیم، والا الزام آور نخواهند بود.^(۹۸)

شماره ۱، ۱۹۹۵ مراجعه نمایید. ۹۷- فی‌المثل وظایف دوگانه عهد و میثاق (کتاب اقدس بند ۱)

۹۸- این طبقه‌بندی وظائف نسبت به خداوند، نسبت به عالم بشری، نسبت به خود ما، منطبق با طبقه‌بندی سیستماتیک وظائف در شریعت کلیمی (نگاه کنید به اثر M. Friedländer صفحات ۲۷۳، ۲۹۲، ۳۱۹) و شریعت اسلامی (نگاه کنید به *Towards Understanding Islam* اثر A. Mawdudi فصل هفتم، شماره ۱، *The Rights of God*) است، گو این که در محتوای مطالب مربوطه تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد.